

در چهلمین سالگرد خلع ید از استعمار، فرخنده باد بیست‌ونهم خرداد، روز کارگران ایران هم‌میهنان، کارگران بیدار دل،

بار دیگر، روز بیست‌ونهم خرداد، روز پرارج خلع ید از استعمار، که آغازگر فصلی نو در جنبش سلطه‌ستیزانه‌ی ایرانیان به شمار رفته است، فرارسید. چهل سال پیش، در روز بیست‌ونهم خردادماه یک‌هزار و سیصد و سی، ایرانیان در پی یک قرن و نیم شکست و پراکندگی در پرتو همبستگی ملی به پیروزی بزرگی رسیدند و گردانندگی صنعت نفت در سراسر کشور را بر عهده گرفتند.

گرچه در خلع ید از غارتگران بیگانه، که به رهبری مصدق بزرگ انجام گرفت، همه‌ی گروه‌های اجتماعی سهم داشتند؛ ولی، چون در آن هنگامه‌ی غرورآفرین درفش ملی به دست توانای کارگران بر فراز دکل‌های چاه‌ها و ساختمان‌های پالایشگاه نفت به اهتزاز درآمد، به‌حق، این روز خجسته «روز کارگران ایران» نامیده شد. چیرگی بر دشمن جهان‌خوار به روند زندگی همه‌ی مردم این سرزمین بلازده شورمندی تازه‌ای داد و به‌ویژه از کارگر به‌خواری‌کشیده‌شده‌ی ایرانی انسانی به‌خویش‌تن‌خویش‌بازگشته و آزاده ساخت که همواره در پیکارهای رهایی‌بخش ملی پیشگام بود. پیشگامی کارگران در کوشش‌های به‌انقلاب‌انجامیده نیز به‌خوبی نمایان شد و امید میرفت با این ظفرمندی از امتیازهای بسیاری برخوردار گردند.

به‌راستی، اگر جدول ارزش‌های انقلاب در هم‌شکسته نمی‌شد و مردم آن چنان که می‌خواستند به استقلال ملی، آزادی‌های فردی و اجتماعی، و عدالت همگانی دست می‌یافتند، ایران با عصر تازه‌ای از پیش‌روندگی روبه‌رو می‌گردید. ولی دریغ که خودجلوانداختگان به‌زمانداری‌رسیده با پافشاری بر انجام برنامه‌های واپس‌گرایانه در همه‌ی زمینه‌های زندگی ملی از دگرگونی‌های بنیادین پیشگیری کردند و مردم را به سیه‌روزی افکندند.

«گرچه در آغازهای پیروزی اجرای برنامه‌هایی چون برقراری نوعی بیمه‌ی بیکاری، بالا بردن حداقل دستمزد، افزایش هنگام‌های تعطیل، جلوگیری از اخراج‌های بی‌رویه، و پیویاسازی سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری از سوی نخستین وزیر کار انقلاب نوید زندگی بهتری را به این سازنده‌ترین قشر اجتماعی می‌داد»؛ ولی خیلی زود سردمداران جمهوری اسلامی به دفاع از سرمایه‌داری لجام‌گسیخته پرداختند و کارگران را زیر فشارهای گوناگون قرار دادند؛ چنان‌که اکنون کارگران به‌سختی در تنگنا افتاده‌اند، از امنیت شغلی برخوردار نمی‌باشند، دستمزدی درخور هزینه‌های سرسام‌آور زندگی دریافت نمی‌کنند، بیمه‌های اجتماعی درستی ندارند، و با فروپاشی سازمان‌های صنفی خود روبه‌رو هستند.

افزون بر این همه، قانون کاری که از نخستین سال انقلاب پیرامون آن آوازه‌گری می‌شد و چندی پیش از هفت‌خوان نهادهای رایزنی و گردانندگی جمهوری اسلامی گذشت سراپا پیچیده و ترفندآمیز می‌باشد و به هیچ وجه دربردارنده‌ی تضمینی برای استیفای حقوق کارگران نیست. این قانون کار بی‌درون‌مایه فصلی زیر عنوان «تشکل‌های کارگری و کارفرمایی» دارد و نوعی انجمن صنفی را پیش کشیده؛ ولی در سراسر آن با لچپازی از آوردن نام «سندیکا» پرهیز گردیده و باز هم بیشترین تکیه بر «شورا» شده است که از هیچ ارزشی برخوردار نمی‌باشد.

با این همه، در چهلمین سالگرد خلع ید از استعمار بیگانه، اگر سایه‌ی شوم یکه‌تازی برکرسی قدرت‌نشستگان امان می‌داد، حق بود شهر و روستا را به نام سپاس از پیکارهای سرنوشت‌ساز کارگران ایران آذین بست؛ ولی، اکنون که ایران و انقلاب به ورطه‌ی هولناکی فروافتاده‌اند، از یاد پیروزی‌های گذشته تنها می‌توان توشه‌ی رزم خستگی‌ناپذیر را برگرفت. بی‌گمان، هنگام آن فرارسیده است که، برای پدید آوردن دگرگونی بنیادین در روند زندگی ایرانیان و برقراری یک سامان دادگرانه، به کوششی پیگیر پرداخت. ثمربخشی چنین کوششی نیاز به زنده‌داشت همبستگی همگانی دارد؛ و آن هم جز با سوق دادن همه‌ی سازمان‌های سیاسی ناسازوار با یکه‌تازی به اتحاد بزرگ و نیز برانگیختن همه‌ی گروه‌های اجتماعی به پی‌ریزی نهادهای ویژه‌ی صنفی، که گنجایش طرح خواست‌های ملی را داشته باشند، شدنی نیست.

حزب ملت ایران در چنین روز فرخنده‌ای از شما کارگان بیداردل میهن می‌خواهد تا، برای بازسازی سندیکاها و اتحادیه‌های خود، که قربانی توطئه‌ی انحصارگران کوتاه‌بین شده است، به پا خیزید و، باز هم، پیشگام دیگر گروه‌های اجتماعی برای رسیدن به مردم‌سالاری گردید.

درود به اردوی کارگران ایران، پیروز باد ملت.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران